



انقلاب دینی و ساختارهای اجتماعی

تالیف:

«سید حسین حسینی»



نشر

سرشناسه	: حسینی ، سید حسین :
عنوان و نام پدیدآور	: انقلاب دینی و ساختارهای اجتماعی / تألیف سید حسین حسینی
مشخصات نشر	: تهران: نشر علم، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۴۷۶ ص. ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س. م.
شابک	: 3 - 554 - 224 - 964 - 978
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
موضوع	: اسلام و علوم اجتماعی
روضوع	: علوم انسانی (اسلام)
موضوع	: اسلام و آموزش و پرورش
موضوع	: اسلام و علوم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ۸ الف ۵ ح / BP۲۲۹
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۸
شماره کتابشناسی	: ۳۱۹۴۲۷۳



ذخیره

انقلاب دینی و ساختارهای اجتماعی

تألیف : سید حسین حسینی

چاپ اول: ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

صفحه آرا: لیلا حائری (۰۹۱۲۷۹۴۲۷۲۵)

لینوگرافی: صدف ۸۸۳۰۵۳۳

چاپ: گلرنگ یکتا

خیابان انقلاب - خیابان دوازدهم فروردین - خیابان شهدای زاندارمری

بن بست گرانفر پلاک ۴ تلفن: ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۳ - ۵۵۴ - ۲۲۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

فهرست مطالب

پیش گفتار: دین، جامعه و انقلاب	۱۹
بخش اول: وحدت فرهنگی و نماد آرمان دینی	۴۹
۱- بسیج فرهنگی	۵۵
۲- هجوم و دفاع فرهنگی	۶۵
۳- تهاجم جمعی و رسالت اجتماعی	۹۱
۴- هجوم در یک کلام	۹۵
۵- شاخصه های انقلاب فرهنگی	۹۹
۶- بررسی مبادی الگوی وحدت	۱۰۳
۷- علوم انسانی اسلامی؛ مبای تحقق و وحدت فرهنگی	۱۳۷
۸- نظری بر اهداف تربیتی در دانشگاه از دیدگاه امام خمینی	۱۷۵
۹- دانشگاه و معارف اسلامی	۱۹۷
۱۰- به سوی دانشگاه دینی	۲۰۷
۱۱- درآمدی بر نظام آموزشی حوزه	۲۱۷
بخش دوم: سیاست در بستر ولایت دینی	۲۵۳
۱- تئوری تحلیل انقلاب اسلامی؛ ضرورت ها و بایدها	۲۵۵
۲- روش تحلیل و بررسی تئوری حکومت در اسلام	۲۶۵
۳- جایگاه ولایت و رهبری در نظام اسلامی	۲۷۹
۴- چارچوب های تحلیل تفاوت بنیادین دو واژه سیاسی	۳۰۱
بخش سوم: بایدهای تکاملی در اقتصاد دینی	۳۲۳
۱- بحران مدیریت	۳۲۵
۲- ضرورت طراحی الگوی نظام اقتصادی در اسلام	۳۳۷
۳- مبانی و روشها در تحلیل نظام های اقتصادی	۳۴۵
۴- تمهیدی بر توسعه مدیریت انسانی: الگوی انگیزش	۳۷۶
۵- درآمدی بر آینده علم و تکنولوژی در جهان اسلام	۴۱۹

فهرست موضوعی مطالب

- پیش گفتار: دین، جامعه و انقلاب ۱۹
- بخش اول: وحدت فرهنگی و نماد آرمان دینی ۴۹
- ۱- بسیج فرهنگی ۵۵
 - پیمبری و هدایت انسانی ۵۵
 - انقلاب اسلامی و احیاء دین ۵۶
 - نقش محوری انقلاب ۵۶
 - تأثیر جایگاه دین ۵۷
 - ضرورت‌های انقلاب ۵۷
 - سرپوشی اجتماعی در افق تاریخی ۵۸
 - ساماندهی فرهنگی ۵۸
 - یادداشت‌ها ۶۰
- ۲- هجوم و دفاع فرهنگی ۶۱
 - مقدمه ۶۵
 - اهمیت فرهنگ در نظام اجتماعی ۶۵
 - ماهیت فرهنگ ۶۶
 - ساختارهای خاص ۶۶
 - تأثیر فکر و فرهنگ در انسان و جامعه ۶۷
 - هجوم فرهنگی بیگانگان ۶۸
 - دفاع فرهنگی مسلمین ۶۹
 - طرح پرستش ۶۹
 - یادداشت‌ها ۷۱
- ۳- تهاجم جمعی و رسالت اجتماعی ۷۳
 - پیامدهای انقلاب اسلامی ۷۷
 - بررسی موضوع از دو منظر ۷۷
 - استدلال منطقی بر ضرورت‌های فرهنگی ۷۷

- ۷۸..... - هجوم در زمان معاصر
- ۷۹..... - تدابیر مقابله
- ۷۹..... - نقش ارکان فرهنگی
- ۸۰..... - وظایف نظام دانشگاهی
- ۸۰..... - دو رسالت مهم
- ۸۲..... - منزلت تهاجم
- ۸۵..... - هجوم در یک کلام
- ۸۹..... - نهاد فرهنگی - جامعه
- ۸۹..... - تغییر و حدت فرهنگی
- ۹۰..... - حساسیت و پیچیدگی تدابیر
- ۹۰..... - دفاع یا هجوم
- ۹۰..... - مبنای علمی وحدت نهاد فرهنگی
- ۹۱..... - ۴- شاخصه‌های انقلاب فرهنگی
- ۹۵..... - اهمیت تحقیق
- ۹۵..... - هماهنگی امور تحقیقی
- ۹۶..... - انقلاب فرهنگی
- ۹۶..... - تحلیل ضرورت‌ها
- ۹۷..... - تبیین شاخصه‌ها
- ۹۷..... - تکالیف و وظایف
- ۹۹..... - ۶- بررسی مبادی الگوی وحدت
- ۱۰۳..... - مقدمه
- ۱۰۴..... - ضرورت هماهنگی در نظام‌های اجتماعی موجود
- ۱۰۴..... - الف) هماهنگی در برابر تشتت
- ۱۰۶..... - ب) لوازم فرض ناهماهنگی
- ۱۰۷..... - ج) هماهنگی در نظر و عمل
- ۱۰۸..... - خصوصیات و ویژگی‌های هماهنگی
- ۱۰۸..... - الف) اختلاف در جهت مطلوب

- ۱۰۹ (ب) مشخصه‌های ضروری
- ۱۱۰ - ضرورت هماهنگی حوزه و دانشگاه
- ۱۱۰ الف) حوزه و دانشگاه دو رکن اساسی و محوری
- ۱۱۰ (ب) ضرورت تفاوت در وظایف و مسئولیت‌ها
- ۱۱۱ (ج) کیفیت ارتباط و اهمیت آن
- ۱۱۲ - آثار هماهنگی حوزه و دانشگاه
- ۱۱۳ - ظهور ناهماهنگی پس از انقلاب اسلامی
- ۱۱۴ - علل ناهماهنگی حوزه و دانشگاه
- ۱۱۵ - تلاش در جهت تحقق هماهنگی
- ۱۱۵ الف) نیات واحد
- ۱۱۶ (ب) تعیین انتظار در ارتباط با نیازها
- ۱۱۶ (ج) تعیین انتظار در ارتباط با اهداف
- ۱۲۰ - یادداشت‌ها
- ۱۳۷ ۷- علوم انسانی اسلامی؛ مبنای تحقق وحدت فرهنگی
- ۱۴۱ - بایدها و ضرورت‌ها
- ۱۴۱ الف) هویت جمعی جامعه
- ۱۴۲ (ب) مفهوم جامعه و حوزه‌های عملکردی
- ۱۴۳ (ج) نظام فرهنگی و ضرورت جامعه فرهنگی
- ۱۴۴ (د) نقش حوزه و دانشگاه در وحدت فرهنگی
- ۱۴۵ - مبادی و پیش فرض‌ها
- ۱۴۵ الف) تفکیک موضوعی دو قلمرو کارکردی
- ۱۴۶ (ب) دین‌شناسی و الگوشناسی
- ۱۴۷ - موضوعات و مفاهیم
- ۱۴۷ الف) پی‌جویی موضوع هماهنگی
- ۱۴۷ (ب) بررسی احتمالات پیرامون موضوع ارتباط
- ۱۴۷ ۱- ارتباط اطلاعاتی محض
- ۱۴۷ ۲- ارتباط شکلی و صوری

- ۳- ارتباط اخلاقی و روانی ۱۴۸
- ۴- ارتباط معرفتی ۱۴۹
- مبانی و نظریه‌ها ۱۵۰
- الف) بررسی دیدگاه‌ها در علوم انسانی اسلامی ۱۵۰
- ۱- نظریه انفعالی ۱۵۱
- ۲- نظریه جایگزینی ۱۵۱
- ۳- نظریه گزینشی ۱۵۱
- ۴- نظریه پرورشی ۱۵۱
- ۵- نظریه تلفیقی ۱۵۱
- ۶- نظریه تفکیکی ۱۵۲
- ۷- نظریه استقلال ۱۵۲
- ۸- نظریه تأسیس روش ۱۵۳
- ۹- نظریه تحلیل جمعی ۱۵۴
- ب) نقد و بررسی اجمالی دیدگاه‌ها ۱۵۶
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۱۶۱
- یادداشت‌ها ۱۶۲
- ۸- نظری بر اهداف تربیتی در دانشگاه از دیدگاه امام خمینی ۱۷۵
- حساسیت تعلیم و تربیت ۱۷۹
- روش نظر به اهداف تربیتی ۱۸۱
- الف) ارتباط اهداف با نظام تربیتی در اسلام ۱۸۱
- ب) اهمیت تحقق پرورش اجتماعی ۱۸۲
- تبیین اهداف تربیتی ۱۸۴
- الف) تهذیب انسانی ۱۸۴
- ب) همراهی علم و ایمان ۱۸۴
- ج) حسن خدمتگزاری ۱۸۵
- د) استقلال طلبی و عدم وابستگی ۱۸۶
- ه) ایستادگی و عدم تسلیم ۱۸۷

۱۸۷ - کلام پایانی

۱۹۱ - یادداشت ها

۱۹۷ ۹- دانشگاه و معارف اسلامی

۲۰۱ - لزوم رعایت شأن دروس معارف

۲۰۲ - شاخصه موضوعات ضروری

۲۰۳ - نواقص متون اخلاقی

۲۰۴ - متولیان هدایت دینی

۲۰۶ - ضرورت جامعیت

۲۰۷ ۱۰- به سوی دانشگاه دینی

۲۱۱ - ضرورت تحول بنیادی

۲۱۲ - برنامه ریزی بلند مدت

۲۱۲ - اولویت بندی محورهای اصلی

۲۱۳ - تعیین ساختار کلی بررسی وضعیت

۲۱۳ - تشکل های منطقه ای

۲۱۴ - مفهوم دانشگاه اسلامی

۲۱۴ - مهم ترین موانع

۲۱۵ - راه حل های انتقالی کوتاه مدت

۲۱۷ ۱۱- درآمدی بر نظام آموزشی حوزه

۲۲۱ - ضرورت و جایگاه

۲۲۶ - وضعیت موجود نظام آموزشی

۲۲۶ الف) خاستگاه تحلیل و بررسی

۲۲۶ - اول: ضرورت بررسی وضعیت موجود

۲۲۶ - دوم: مکانیزم تحلیل

۲۲۷ - سوم: ملاک و معیار سنجش

۲۲۷ - چهارم: تقسیم بندی مسائل

۲۲۸ - پنجم: دیدگاه کلی و عمومی

۲۲۹ ب) تبیین نقاط قوت نظام آموزشی

۲۲۹	-اول: محتوای آموزشی
۲۲۹	-دوم: روشهای آموزشی
۲۳۲	-سوم: امکانات آموزشی
۲۳۲	(ج) تبیین نقاط ضعف نظام آموزشی
۲۳۳	-اول: محتوای آموزشی
۲۳۴	-دوم: روشهای آموزشی
۲۳۶	-سوم: امکانات آموزشی
۲۳۷	وضعیت مطلوب نظام آموزشی
۲۳۷	الف) خاستگاه تحلیل و بررسی
۲۳۷	-اول: ضرورت بررسی وضعیت مطلوب
۲۳۷	-دوم: روش تحلیلی
۲۳۸	-سوم: نقش جایگاه نظام آموزشی
۲۳۹	-چهارم: روش تشخیص مطلوبیتها
۲۳۹	-پنجم: تعاریف اجمالی
۲۴۰	-ششم: نظر مجموعی
۲۴۱	-هفتم: ارتباط عناوین
۲۴۲	(ب) تبیین مبانی نظام آموزشی
۲۴۳	(ج) تبیین اهداف نظام آموزشی
۲۴۳	-اول: اهداف درون حوزوی
۲۴۴	-دوم: اهداف برون حوزوی
۲۴۵	(د) تبیین مواد نظام آموزشی
۲۴۵	(ه) تبیین کیفیت روابط در نظام آموزشی
۲۴۶	-راه حل‌های انتقالی نظام آموزشی
۲۴۶	الف) خاستگاه تحلیل و بررسی
۲۴۶	-اول: ضرورت بررسی راه‌های انتقالی
۲۴۶	-دوم: ارتباط جایگاه و راهبردها
۲۴۷	-سوم: ترسیم هماهنگ در بخش‌ها

چهارم: سیاست‌گذاری همه‌جانبه ۲۴۷

پنجم: مراحل انتقالی ۲۴۷

(ب) راه‌حل‌های کوتاه‌مدت ۲۴۸

(ج) راه‌حل‌های درازمدت ۲۴۸

یادداشت‌ها ۲۵۲

بخش دوم: سیاست در بستر ولایت دینی ۲۵۳

۱- تئوری تحلیل انقلاب اسلامی؛ ضرورت‌ها و بایدها ۲۵۵

مقدمه ۲۵۹

ملاحظات سه‌گانه تحلیل ۲۵۹

(الف) جریان پیوسته ۲۶۰

(ب) نمونه منحصّر ۲۶۰

(ج) ناتوانی تئوری‌ها ۲۶۱

- ضرورت تئوری تحلیل نو ۲۶۲

(الف) ترکیب دو روش تحلیل منطقی و تاریخی ۲۶۲

(ب) تحلیل فلسفه انقلاب اسلامی ۲۶۳

۲- روش تحلیل و بررسی تئوری حکومت در اسلام ۲۶۵

مقدمه ۲۶۹

- طرح موضوع و روش ۲۷۰

(الف) اهمیت تحقیق ۲۷۰

(ب) ضرورت تحلیل سیستمی ۲۷۱

(ج) شمول مفهوم تئوری ۲۷۲

- ضرورت حکومت در اسلام ۲۷۲

(الف) نظر به مفهوم حکومت ۲۷۲

(ب) لزوم بررسی دلیل عقلی ۲۷۲

(ج) لزوم بررسی دلیل نقلی ۲۷۳

- هدف حکومت در اسلام ۲۷۴

۲۷۴	الف) رابطه هدف و سعادت.....
۲۷۴	ب) رابطه تقرب و سعادت.....
۲۷۵	- مبنای حکومت در اسلام.....
۲۷۵	الف) سرپرستی در مسیر تقرب.....
۲۷۵	ب) نیازمندی به مینا.....
۲۷۵	ج) نقش محوری مبنای نظام.....
۲۷۶	د) ارتباط اهداف و مینا.....
۲۷۶	ه) شناسایی مبنای حکومت.....
۲۷۶	و) بررسی احتمالات.....

۳- جایگاه ولایت و رهبری در نظام اسلامی..... ۲۷۹

۲۸۳	- مقدمه.....
۲۸۳	الف) طرح کلی و اجزای.....
۲۸۴	ب) ضرورت تحلیل موضوع.....
۲۸۴	ج) بررسی در سه بستر موضوعی.....
۲۸۵	د) ضرورت سطوح سه گانه.....
۲۸۵	ه) هماهنگی تحلیل در سه سطح.....
۲۸۶	و) چارچوب های تحلیل.....
۲۸۷	- بررسی پایگاه رهبری در جهان بینی الهی.....
۲۸۷	الف) موضوع سخن.....
۲۸۷	ب) پرسش اصلی.....
۲۸۷	ج) هدف بحث.....
۲۸۷	د) تبیین استدلالی.....
۲۸۷	۱- بیان استدلال.....
۲۸۸	۲- تبیین لوازم.....
۲۸۸	ه) بررسی تطبیقی.....
۲۸۹	۱- جهان بینی مادی.....
۲۹۰	۲- جهان بینی التقاطی.....

۲۹۰ - بررسی پایگاه رهبری در نظام ولایت تاریخی

۲۹۰ الف) موضوع سخن

۲۹۰ ب) پرسش اصلی

۲۹۰ ج) هدف بحث

۲۹۰ د) تبیین استدلالی

۲۹۰ ۱- بیان استدلال

۲۹۱ ۲- تبیین لوازم

۲۹۲ - بررسی پایگاه رهبری در نظام اجتماعی

۲۹۲ الف) موضوع سخن

۲۹۲ ب) پرسش اصلی

۲۹۳ ج) هدف بحث

۲۹۳ د) تبیین استدلالی

۲۹۳ ۱- بیان استدلال

۲۹۵ ۲- تبیین لوازم

۲۹۹ - یادداشت‌ها

۳۰۱ ۴- چارچوب‌های تحلیل تفاوت بنیادین دو واژه سیاسی

۳۰۵ - مقدمه

۳۰۵ - واژه‌شناسی نهضت و انقلاب

۳۰۵ الف) تفاوت لغوی

۳۰۶ ب) تفاوت اصطلاحی

۳۰۷ - بررسی ابعاد و ویژگی‌ها

۳۰۷ الف) تناسب کاربرد واژه با تحقق اجتماعی

۳۰۷ ب) کارآیی نگرش سیستمی

۳۰۹ ۱- نقش اهداف و آرمانها

۳۱۱ ۲- نقش اجزاء و ابزارها

۳۱۲ ۳- کیفیت روابط انسانی

۳۱۵ ۴- تأثیر مبانی و اصول

۳۱۷	- نتیجه گیری
۳۱۹	- یادداشت‌ها
۳۲۳	بخش سوّم: بایدهای تکاملی در اقتصاد دینی
۳۲۵	۱- بُحران مدیریت
۳۲۹	- جهان مدیریت و مدیریت جهانی
۳۲۹	- مدیریت معاصر و تحقق آرمانهای بشری
۳۳۰	- انقلاب اسلامی و تمدن دینی
۳۳۰	- تمدن و حکومت
۳۳۱	- حکومت و مدیریت دینی
۳۳۱	- سرفصل‌های ضروری طرح تحقیقی
۳۳۳	الف) ضرورت‌ها و اهداف در تمدن اسلامی
۳۳۳	ب) ضرورت‌ها و اهداف در حکومت اسلامی
۳۳۳	ج) ضرورت‌ها و اهداف در مدیریت اسلامی
۳۳۴	د) ضرورت‌ها و اهداف در تشکیلات اسلامی
۳۳۴	ه) ضرورت‌ها و اهداف در اخلاق تشکیلاتی اسلامی
۳۳۵	- یادداشت‌ها
۳۳۷	۲- ضرورت طراحی الگوی نظام اقتصادی در اسلام
۳۴۱	- انقلاب اسلامی و ضرورت‌های اجتماعی
۳۴۲	- الگوسازی در اقتصاد
۳۴۲	- ملاک و مبنای پذیرش
۳۴۵	۳- مبانی و روشها در تحلیل نظام‌های اقتصادی
۳۴۹	- مقدمه
۳۴۹	الف) حرکت انسان
۳۵۰	ب) نقش تحرّک فکری
۳۵۰	ج) حرکت صحیح و غلط
۳۵۰	د) تشخیص فعل
۳۵۲	ه) نقش احکام الهی

۳۵۳ (و) آثار تحقیق احکام

۳۵۳ - ضرورت تحلیل و بررسی نظام‌های اقتصادی

۳۵۳ الف) اختلاف نظام‌های اقتصادی

۳۵۴ ب) هماهنگی با مکاتب اعتقادی

۳۵۵ ج) استقلال و انسجام در نظام اقتصادی اسلام

۳۵۶ د) دو شیوه تحلیل

۳۶۰ ه) ضرورت دقت در تبیین و نقد

۳۶۰ و) ضرورت تنظیم امور اقتصادی

۳۶۲ - روش تحلیل و بررسی نظام‌های اقتصادی

۳۶۲ الف) مکارگیری الگوی تحلیل

۳۶۲ ب) مشخصه‌های روش

۳۶۲ ۱- رعایت حدود موضوعی

۳۶۳ ۲- نقد و تقاض از موضع جامع

۳۶۳ ۳- کاربرد نگرش سیستمی

۳۶۵ - نتیجه‌گیری

۳۶۷ - یادداشت‌ها

۳۷۷ ۴- تمهیدی بر توسعه مدیریت انسانی: الگوی انگیزش

۳۸۱ - ضرورت انگیزش

۳۸۴ - اصول انگیزش

۳۸۶ الف) اصل اول: پیوستگی نیروهای انسانی

۳۸۹ ب) اصل دوم: جهت همبستگی نیروهای انسانی

۳۹۱ ج) اصل سوم: هماهنگی فرد و جمع

۳۹۳ د) اصل چهارم: هماهنگی انگیزه و انگیزه

۳۹۵ - کیفیت انگیزش

۳۹۷ الف) رتبه اول: تبیین نظام فکری

۳۹۷ ۱- اهداف و انتظارات

۳۹۹ ۲- مبانی و انگیزه‌ها

۳- وسایل و انگیزه‌ها.....	۴۰۰
۴- روابط و عملکردها.....	۴۰۲
ب) رتبه دوم: تحقق نظام عملی.....	۴۰۵
- یادآوری.....	۴۰۶
الف) پرهیز از جزئی نگری.....	۴۰۶
ب) تعیین محورهای مغیر.....	۴۰۷
- نتیجه گیری.....	۴۰۸
- یادداشت‌ها.....	۴۰۹
۵- درآمدی بر آینده علم و تکنولوژی در جهان اسلام.....	۴۱۹
- مقدمه.....	۴۲۳
- حساسیت علوم و تکنولوژی در جهان اسلام.....	۴۲۳
الف) نقش علوم و تکنولوژی در جهان معاصر.....	۴۲۳
ب) اهمیت نقش علوم و تکنولوژی در جهان اسلام.....	۴۲۴
ج) حساسیت رهبری اسلامی.....	۴۲۴
د) ارتباط رهبری جهانی با ماهیت علوم و تکنولوژی.....	۴۲۵
- وضعیت علوم و تکنولوژی در جهان اسلام.....	۴۲۵
الف) حالت مصرفی.....	۴۲۵
ب) ناهماهنگی با راهبردهای مکتبی.....	۴۲۵
- نظام مطلوب علوم و تکنولوژی در جهان اسلام.....	۴۲۶
الف) ابزارهای هدایتی.....	۴۲۶
ب) ابزارهای منع.....	۴۲۷
- راهکارهای حرکت به سمت مطلوبیت‌ها.....	۴۲۷
الف) ضرورت و تقویت اتحاد و هماهنگی در اصول.....	۴۲۷
ب) هماهنگی بر محور واحد.....	۴۲۸
ج) عدم پذیرش حاکمیت بیگانگان بر شئون جهان اسلام.....	۴۲۸
د) برپایی نهضت علمی و فرهنگی.....	۴۲۸
- نقش جامعه اسلامی.....	۴۲۹

الف) ابعاد خارجی ۴۲۹

۱- اهمیت و تقویت محور هماهنگی ۴۲۹

۲- ارتباط مدیران با کشور های اسلامی ۴۳۰

۳- مقابله با تهاجم ۴۳۰

۴- تلاش در جهت ایجاد نهضت فرهنگی ۴۳۰

ب) ابعاد داخلی ۴۳۱

۱- اتحاد فکری و روحیه همبستگی ۴۳۱

۲- کاوشی تازه در مسیری نایموده ۴۳۱

- یادداشت ها ۴۳۳

«دین، جامعه و انقلاب»

"... وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ" (التوبه ۴۰)

- تحول انسانی

انقلاب‌ها بیش از آن که تحولی سیاسی و اجتماعی به حساب آیند، پیش‌تر تحولی انسانی‌اند. چرا که پایه و بنیاد حرکت‌های سیاسی و اجتماعی، در بسترهای انسانی و ساز و کارهای ویژه آن شکل می‌گیرد "انسان" در فرآیند "ارتباطات انسانی" است که به پدیدآوری رهیافتهای اجتماعی دست می‌یازد و دقیقاً به همین سبب دامنه تمام مقوله‌های اجتماعی از افق تأثیر آموزه‌های انسانی بی‌بهره نخواهد ماند.

- پیکر سه‌گانه

واگر تغییر و تحول انسانی دارای ابعاد و دامنه‌های گونه‌گونی است، پس تغییر و تحول سیاسی و اجتماعی هم بدون رُویه و رُویه‌های متفاوت تحقق‌نپذیرفته و آنها نیز بر خوردار از جوانب مختلفی خواهند شد. اما تردیدی نیست که اگر چه انسان، موجود واحدی است ولی وحدتی مرکب و چندگانه داشته و از پاره‌های گوناگونی، به هویت یگانه دست یافته است.

سخن در این باره، مربوط به مباحث خاص انسان شناختی می باشد^(۱) ولی به صورت کلی؛ پیکره وجودی انسان همبستر با سه مقوله " فکر"، " فعل" و " قلب" اوست و از این رو، تحول انسانی نیز در این مجاری صورت می پذیرد یعنی: "تحول علمی و معرفتی"، "تحول عملی و رفتاری" و نیز تحول روحی و روانی".

– ساختارهای جامعه

بدین ترتیب جامعه انسانی^(۲) نیز دارای ابعاد، و برخوردار از "ساختارهای اجتماعی"^(۳) همخوانی است یعنی فراگردهای: " فرهنگی"، "سیاسی" و "اقتصادی". هیچ جامعه انسانی را نمی توان بدون حضور و نقش این سه نهاد گاه بنیادی در نظر آورد چرا که اصولاً جوامع انسانی، بر آیند وحدت ترکیبی این سه عنصر شمرده می شوند و تصور بر آمدن مجتمع بشری، آن هم با فروگذاری چنین پیکره ای، بسیار سخت و دشوار و بلکه نشدنی است.^(۴) چگونه می توان به تجمع هدفمندی از انسانها در چارچوب یک "نظام اجتماعی"^(۵) اندیشید و به پیوند و پیوستگی آنها نظاره کرد ولی در آن میان، از رهیافت ارتباط فکری در حوزه اندیشه و تعقل بشری و نیز پاره هایی که به نخستین و پی گشتن در شالوده های فرهنگی جامعه و کاوش در بُن مایه های فاعله انسانی مبادرت ورزیده اند دور ماند؟!^(۶) و یا اینکه نیک، در تمرکز آهنگ و بسیج اجتماعی که متجلی در قدرت و اراده سیاسی می گردد نیاندیشید؟! و یا از دستاورد تعامل جمعی در رویکردهای بیرونی و ظاهری ارتباطات انسانی، غافل مانده و یکسره نقش معادلات در هم تنیده اقتصادی را در جامعه از یاد بُرد؟!

– مجاری انقلاب

بنابراین چنانچه انقلاب های اجتماعی، ریشه در تحول و دگرگونی انسانی دارند و تحول انسانی هم در پیکره سه گانه خاص خود تحقق می پذیرد و از این رو، جامعه نیز در بستر و ساختارهای فوق شاکله خود را باز می یابد؛ پس می توان مجاری تغییر و تحول انقلاب های

انسانی- اجتماعی را در سه منظر دنبال کرد یعنی: "تحول فرهنگی" و "تحول سیاسی" و "تحول اقتصادی".

بدین سان هر انقلابی دارای پیامدهای ساختاری ویژه‌ای است و تا زمانی که نتواند دامنه تغییر و تحول صوری و شکلی خود را (که به صورت یک انقلاب اجتماعی در یک تاریخ خاص بروز کرده) به میدان اصلی و بنیادی پیکره جامعه بکشاند؛ بی هیچ گمان، به آرمانهای نهایی خود دست نیافته است. و همه رمز مشکلات و معضلات انقلاب‌های اجتماعی نیز در همین جاست چرا که از سویی، "انقلاب" به دلیل ماهیت خاص خود به بر آشفتن رویکردهای ظاهری و اصلاحات فرمی و صوری بسنده نمی کند و از جانب دیگر، خواستار برآمدن تمامی پایه‌های ساختاری جامعه در جهت مطلوب است^(۷)؛ و تردیدی نیست که اگر چه در پاره نخست (با جمع شرایط و امکاناتی) بتواند نظام پیشین را به کناری زده و پیاپی اعلام موجودیت کند ولی در قدم دوم، تغییر بنیادهای تو در توی یک جامعه انسانی به سادگی نوبت اول صورت نخواهد پذیرفت و نیازمند گذشت زمان زیادی است چرا که بافت روابط انسانی آنچنان در هم تنیده، پیچیده و همراه با نوعی ثبات و پایداری است که نمی توان از همنوایی ظاهری آن، به سرعت، به همگرایی حقیقی و باطنی نیز دست یافت و لذا برای تغییر نظم اجتماعی پیشین، به سمت یک نظم اجتماعی نوین، محتاج یک روند زمانی ممتدی خواهیم بود.

این است که چه بسا انقلاب‌هایی با همه مشکلات راه، به مرحله آشکاری و آفتابی شدن رسیده اما در ادامه راه و در مسیر سریان و جریان آرمانها و اهداف در زیر ساخت‌های بنیادی، عقیم و نازا می شوند و از این رو نباید پیروزی آغازین یک انقلاب را به معنای پایان راه آن دانست که بی هیچ گمان، بایستی به شروع یک راه و دوره‌ای به مراتب دشوارتر نظر انداخت.

بنابراین تغییر و تحول بنیادی در تمامی مجاری و نیز دگرگونی ساختاری^(۸) نیازمند زمان و فراهم شدن علل و عوامل بسیاری است و همین، کار را بر همگان مشکل می کند و

البته هر چه دامنه آرمان‌خواهی و آرمان‌طلبی آن انقلاب نیز بیشتر باشد، وسعت و فراگیری آن هم فزون‌تر شده و طبیعتاً بر پیچیدگی‌ها می‌افزاید.

هر جامعه انسانی در بستر روابطی خاص، شکل و صبغه ویژه‌ای یافته و با گذشت زمان و برخورداری از پیشینه‌ای تاریخی، پایداری و آراستگی آن نیز روز به روز بیشتر می‌شود؛ از پیوستگی‌های فکری و ذهنی تا پیوندهای سیاسی و حکومتی و حتی پابرجایی در روابط اقتصادی و معیشتی ویژه، همه و همه، "نگرش"، "گرایش" و "کنش" مردم را شکل داده و شاکله آن را شکفتن آسای تنظیم می‌کند. اما به ناگاه، تغییری ناگهانی^(۹) و انقلابی گسترده، جامعه را دستخوش دگرگونی و تحوّل کرده و پژواک آوای فراگیر آن تمامی سطوح روابط انسانی جامعه را در بر می‌گیرد. به واقع در چنین مرحله‌ای "انقلاب" پوسته را می‌شکند و از آرمانهایی دیگر و امیدهایی شیرین‌تر سخن رانده و نیز همگان را دعوت به یاری و همکاری جدیدی می‌کند. اما این پوسته، هسته‌ای نیز در درون دارد که بدون رخنه و شکستن آن و سپس شکافتن، و آنگاه، نهادن نهالی دیگر در دل آن، نمی‌توان دل به برآمدن و بالیدن جامعه‌ای دیگر و روابطی نوین داد چرا که با رفتن پوسته و ماندن هسته، این ریشه، هزاران پوسته دیگر به خود خواهد دید و این بار، سخت‌تر و سفت‌تر.

"فرهنگ"، "سیاست" و "اقتصاد" در هر جامعه انسانی، سه لایه آن هسته درونی‌اند که تنومندی و تنبلی درخت جوامع به حیات و ممات آنها وابسته است. و اگر چه بدون گذر از نمای جامعه انسانی نمی‌توان به بنای آن دست یافت و دروازه دستیابی به باطن نهان هسته، از دنیای ظاهر عیان پوسته می‌گذرد، ولی نباید پنداشت که با تغییر در سیرت، به تحوّل در سیرت نیز دست یافته‌ایم.

این است که هر انقلابی باید به تحوّل در سه رویکرد درونی و بنیادی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بیاورید و بدون این آرمان بلند، نمی‌تواند از زایش یک حرکت جدید و نو و بالندگی و باروری آن سخن گوید.

- انقلاب اسلامی

تقریباً تمامی انقلاب‌ها در این مسأله همداستان‌اند ولی بایستی داستان انقلاب عظیم اسلامی را از دیگران، پررنگ‌تر و پررنج‌تر، و به همین میزان با شکوه‌تر دانست.

مهم‌ترین علت این برنهاد، نقش و حضور "دین" در پدیدآوری و پایداری انقلاب اسلامی است و از این رو به نظر می‌رسد مشکلات آن^(۱۱) در حرکت از ظاهر به سمت باطن و تبدیل واقعیت‌ها به حقیقت‌ها، یعنی تحول بنیادی در سه رکن یاد شده، بیشتر باشد چرا که اولاً، انقلاب اسلامی از حاکمیت دین و سالاری آرمان‌های اسلامی سخن می‌گوید^(۱۲). ثانیاً، این مطلوبیت‌ها را در چارچوب تعالیم والای قرآن و سنت سرافراز معصومین (علیهم‌السلام) دنبال می‌کند. ثالثاً انقلابی بود که با شاخصه‌های دوره معاصر و آن هم در قرن نوزدهم به وقوع پیوسته است. رابعاً در مهد تمدن پرپیشینه ایرانی و با مجاهدت‌های ایرانیانی معتقد، مؤمن، پر جوشش و بیش آرمان طلب شکل می‌گرفت. خامساً برای بیرون آمدن آرزوها و آرمان‌های مطلوب از حوزۀ ذهن و دنیای نظر به مرتبۀ عینیت و عمل، نیاز من فرضیه‌سازی و تئوری‌پردازی‌های علمی جدید است و سادساً این که، دست انقلاب و انقلابیون هم از دسترسی به یک چنین مجموعه‌های دانش علمی در امور نظری و البته بیشتر از آن، در حوزه کاربردی و راهبردی نیز خالی می‌باشد.^(۱۳)

انقلاب سترگ و سرافراز ایران اسلامی همزاد با خود، پیامدهای نیرینی را برای انسان امروزی به ارمغان آورد و تغییر نظام سیاسی و حکومتی بهانه‌ای بود تا به تدریج شالوده‌های شگفت‌ترین تمدن دینی و الهی در دنیای پر آشوب و آشفتۀ کنونی بنا شود چرا که: "...وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ" (آل عمران ۱۳۹).

این انقلاب نه تنها طالب تحول اساسی در بنیادهای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی جامعه ایرانی است که در صدد پی‌ریزی روابط انسانی جدیدی در سراسر جهان کنونی می‌باشد و سیطرۀ درخشش آن، اقتضای تغییراتی دامن‌گستر در روابط بین‌المللی را بدنبال داشت^(۱۴) چرا که: "ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم" و "امیداست بیرق اسلام در همه ارض به اهتزاز در آید."^(۱۵)

- بایسته‌های پژوهش

بنابراین با ظهور انقلاب اسلامی و پیاپی بروز حکومت اسلامی و به لازم، برخورد با دنیای کنونی و تمدن امروزی، موضوعات و مسائل گوناگون و جدیدی پیش روی جامعه اسلامی قرار گرفت که بحث و تحقیق و چاره‌جویی پیرامون آنها، یکی از ضرورت‌های حیاتی نظام فرهنگی جامعه قلمداد می‌شد. اموری که می‌بایست از دیدگاه‌های متفاوت و با نگرش‌های تیزبینانه بدان‌ها پرداخت تا در نهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مطلوبی دست یافته و آنگاه در هر زمینه، طرح و نظر جامعی دست آید.

یعنی که: "...انقلاب اسلامی هم‌زاد با خود بایسته‌های بسیاری را استوار کرد و همراه با آرمانها و خواسته‌های مطلوبش، ضرورت‌های فراوانی را آفرید"^(۱۵) و بر این اساس، به تناسب و فراخور حال و با توجه به حساسیت‌های ملی و مذهبی، اندیشمندان و متفکران دلسوخته را به کاوش‌های تئوریک و مبدع گسترده‌ای فراخواند. انقلاب اسلامی با تحول شگرف خود، زمینه‌ای را برای محققین فراهم کرده بود تا در این میدان بزرگ، بزرگ اندیشمندانی به فراخوان بسیار جدی نیازهای فکری جامعه پس از انقلاب، پاسخی در خور شأن داده و بدین وسیله مسیر تحقق حقیقی انقلاب فرهنگی دینی را بسط و گسترش دهند و نیز در این فراخناکی، بزرگ اندیشه‌هایی جهانی تولید گردد تا راه برای گشایش دروازه‌های جهان معاصر به روی تمدن نوین اسلامی، اما در این نیت اتفاق ایران عزیز و قرین با فرآورده‌های مکتب ائمه بزرگ شیعی (علیهم‌السلام)، گشوده گردد. لذا در بسیاری زمینه‌های علمی و دانش روز، سؤالات جدیدی فرا روی نظام فرهنگی جامعه قرار گرفت که ناچار بایستی به آنها نظر کرده و با رویکردی دیگر به تحلیل و ارزیابی آنها بنشینند."^(۱۶)

بنابراین حساسیت و دغدغه‌های صاحبان اندیشه و نیز دلسوختگان جوان در مسیر تلاش برای واشکافی الگوهای تبدیلی و روشهای کاربردی و نیز تحلیل مبانی نظری دینی را باید امری بسیار جدی تلقی کرده و آن را نمونه پاسخ به نیازهای جامعه انقلابی و از ره آورده‌های انقلاب اسلامی به حساب آورد.^(۱۷) و البته تردیدی نیست که ارکان فرهنگی جامعه ما و در صدر آنان حوزه‌ها و دانشگاه‌ها نیز به عنوان شاخه‌های اصلی استوانه اندیشه نظام

اسلامی، همواره در منظر نظری ویژه و این اولویت نخستین قرار دارند و اگر انتظار آن است که صحنه تضارب و تقابل اندیشه و تفکر در آنها پر رونق و پر حرارت باشد، دقیقاً به این بر نهاد کاملاً ضروری باز می گردد.

بدین ترتیب مجموعه حاضر را بایستی نمایانگر تلاشی کوچک در مسیر گام نهادن به سوی چنین اهداف مقدسی قلداد کرد و لذا آنچه در اینجا گردآمده، بدون استثناء برآمده از نیازهای جامعه انقلابی و اسلامی و آن هم با هدف طرح و فروگشایی موضوعاتی بوه که یک پژوهشگر دینی در فضای شهری جامعه ناچار از نظر به آنهاست.

در حقیقت، "انقلاب اسلامی" هم خواهان "مطلق تغییر" بود و هم اینکه "تغییر مطلق" را طلب نمی کرد!

از جانبی انقلاب اسلامی بدلیل ساخت انقلابی اش، تحول اساسی در تمامی ساختارهای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی جامعه را می طلبید و نه اختصاص یافتن به بخش یا حوزه‌ای خاص و در نهایت فرونشاندن انقلاب، تنها در یک نظام مسلحانه یا تغییر حکومتی یا نهضتی اصلاحی و یا شورش و تنش اجتماعی و یا جنبشی علمی و فکری محض.^(۱۸) و از جانب دیگر، بر انجام هر نوع تغییر و تحولی نیز مهر تأیید نمی زند، بلکه به اقتضای ساخت دینی-اش تبدیل و تحولی را می پسندد که در مسیر زاینده و باروری آرمانهای دینی قرار گیرد. چه اینکه: "يُخْرِجُ نَاسٌ مِّنَ الْمَشْرِقِ قِيَوطُونَ لِّلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ"^(۱۹). و چون انقلاب اسلامی، هدف خود را تحقق جامعه آرمانی دینی^(۲۰) قرار داده، پس در این مسیر، فرهنگ و سیاست و اقتصادی را خواستار است که او را در دستیابی به چنین دور نمایی یاری رسانند.

و اینجا است که "تحول فرهنگی"، "تحول سیاسی" و تحول اقتصادی "با سمت و سوی فرهنگ دینی"، "سیاست دینی" و "اقتصاد دینی"، معنا و مفهوم چیرگی حقیقت انقلاب اسلامی در بن‌مایه‌های اجتماعی خود خواهد بود والا به هر میزان که در پویش به سوی آن قله عالی، به دامنه‌ها روی آورده و در آنجا خانه‌گزینیم؛ بی‌شک و تردید، قله را به جای دامنه نشانده و پوسته را به جای هسته نهاده‌ایم.

بنابراین بی‌گمان، جستن و پی‌گشتن در راهها و ابزارهای تحول‌بنیادی که انقلاب اسلامی خواهان آن بود و نیز هست، آن هم در میدان‌های وسیع و فراخی که سیر آنها به یک پیمایش تاریخی و گذران نسل‌هایی، وابسته است؛ البته یک ضرورت مکی، دینی و انقلابی به حساب آمده و به درستی، بار آن بر همگان سنگینی می‌کند؛ باری که باز نهادن آن صد البته محتاج بینش، بصیرت و هوشیاری انقلابی است چرا که: "وَإِنَّ مَعَىٰ بُصِيرَتِي" (۲۱)

- انقلاب دینی و ساختارهای اجتماعی

این مجموعه تلاشی است بسیار کوتاه در زمینه تئوری‌پردازی نظری پیرامون ضرورت‌هایی که لازمه تحقق آرمانهای بلند انقلاب اسلامی بوده و نیز باید به نیکی بر آنها پای فشرد. بدین سان آنچه در دست خوانندگان عزیز قرار گرفته تنها، "گامی به سوی هدف" است و بس. (۲۲)

"انقلاب دینی و ساختارهای اجتماعی" بر اساس آنچه گفته آمد به سه نیاز پیش‌یاد پرداخته و اگر نه به صورت کامل و جامع، اما حداقل به طرح و تحلیل پاره‌ای از ابعاد آن ضرورت‌ها مبادرت ورزیده است؛ مسائلی که به نظر نگارنده، هنوز هم پس از سپری شدن دو دهه از وقوع انقلاب اسلامی بایستی به ژرفای آنها اندیشید و فضای کنونی جامعه نیز، با همه انگاره‌های امروزیه اش بدانها نیازمند است و البته که حیات نظام فرهنگی به تفکر در فهم و کشف افق‌های جدیدی از آنها گره خورده است. به این ترتیب، بخش‌های سه‌گانه این مجموعه پس از پیشگفتار ("دین، جامعه و انقلاب")، چنین تنظیم شده‌اند:

- بخش اول: "وحدت فرهنگی و نماد آرمان دینی"

- بخش دوم: "سیاست در بستر ولایت دینی"

- بخش سوم: "بایدهای تکاملی در اقتصاد دینی"

به منظور جلوگیری از حجیم شدن کتاب، پیشگفتار و بخش اول را در "جلد اول" و بخش دوم و سوم را نیز در "جلد دوم" جای دادیم.

آوردگاه این سه بخش، متناسب با همان سه نیاز محوری است که قبلاً از آن سخن رانده شد و نیز باید دغدغه اصلی را لزوم تغییر و تحول در شالوده‌های اجتماعی دانست.

اگر چه "انقلاب دینی و ساختارهای اجتماعی"، به تمامی ابعاد مورد نیاز و ضروری در زیر مجموعه این سه بعد ساختاری نپرداخته و شاید بدلیل گستردگی بی‌نظیر موضوعات در کتاب‌های دیگر هم نتوان به تکاپوی همه جوانب لازم دست یافت (و همین امر نیز ضرورت تلاش، تحقیق و تفحص را دو چندان می‌کند)، اما دست کم این مجموعه در اندازه توان خود از یک ضرورت ویژه و بسیار کلیدی پرده برداشته و بر آن، تأکیدی دو چندان دارد یعنی "لزوم بازکاری در نیازهای "فرهنگی"، "سیاسی" و "اقتصادی" جامعه در منظر دینی و متناسب با آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی.

بنابراین می‌توان نقطه مشترک این سه بخش را نوعی فراخوان برای دعوت پژوهشگران و اندیشمندان دلسوخته جامعه اسلامی در مسیر کشف و فهم و سپس تبیین و روشننگری و آنگاه، ضرورت پاسخگویی به نیازهای خاص جامعه پس از انقلاب اسلامی دانست.

به صورت کلی این مجموعه بر یک آموزه تأکید می‌ورزد و آن، اهمیت توجه فرهیختگان امروز به گذر از لایه‌ها، زدودن پیرایه‌ها و گشردن و نهادن بن‌مایه‌های اصلی انقلاب اسلامی در همه جایگاهان خود است، تا پیاپی زمینه‌های رویدادن و بالیدن "تمدن اسلامی" ^(۲۳) فراهم گردد و آنگاه از این افق، آفتاب سیراب و سیدگون آن، سپهر جهان تشنه و تاریک را فرگیرد که: "هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا" (الفتح ۲۸)

"انقلاب اسلامی" یک جنبش و حرکت عظیم اجتماعی است که در سال پنجاه و هفت از ایران عزیز سر برآورد و همچنان با همه فراز و نشیب‌ها به پویش دائمی خود ادامه می‌دهد. در این نگرگاه، انقلاب یک حرکت ممتد تاریخی و در حال جریان ^(۲۴) است که از یک زمان خاص، آهنگ آغازین گرفته و همچنان به سوی تحقق آرمانهای خود پیش می‌رود. ^(۲۵) پس، این حرکت، همواره ادامه دارد و نباید پنداشت که انقلاب به اهداف خود دست یافته و یا این که دوره آن به سر آمده است.

"انقلاب اسلامی" دارای اهداف و آرمانهای بس بلند و بزرگی است که در فرض فراهم شدن شرایطی، می‌تواند به این خواسته‌ها نزدیک و یا در صورت تحقق عواملی دیگر، از دسترسی به آنها دور ماند. اما هزار نکته اینجاست که بالندگی انقلاب اسلامی و قُرب آن به مطلوب‌هایش، وابسته به میزان حرکت آن از پوسته‌ها به سوی هسته‌هاست؛ یعنی تغییر و تحول در ارکان ساختاری جامعه. بنابراین به مقداری که انقلاب اسلامی بتواند تحول فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را در مسیر مطلوبیت‌های دینی و اسلامی در قالب روابط اجتماعی به ظهور بنشاند، به همان اندازه نیز راه خود را تا کرانه‌های نهایی کمتر کرده است.

باید افزود که این چنین تحول عظیمی در لایه‌های زیرین و استوار نظام روابط انسانی جامعه، صورت تحقق و ظهور نخواهد یافت مگر آنکه اندیشمندان متعهد و دوستانان متعهد انقلاب اسلامی برای اموری بایستند چاره‌ای بیابند:

نخستین مسأله: تبیین آرمانهای دینی در سه عرصه فرهنگ، سیاست و اقتصاد است. یعنی نشان دادن تعیین مطلوبیت‌ها در این سه حوزه مهم و بنیادی.

اگر قرار است نظام فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دستخوش تغییر و تحول بنیادی شود، بیش از هر چیز باید دانست انتظارات و خواسته‌های نهایی چیست تا بتوان آنها را به عنوان "مقصد حرکت" در نظر آورد.

بدین ترتیب بایستی به این پرسش‌ها، پاسخی دقیق و روشن داد که فرهنگ، سیاست و اقتصاد مطلوب دینی آن هم از زاویه نگاه اسلام شیعی چیست؟

تردیدی نیست که جواب به این سه سؤال بنیادی با همه گستردگی‌اش، بسیار مشکل و پیچیده است چرا که هر یک از این محورها دارای ابعاد و جوانب بسیار گوناگون و شاخه‌های متعددی هستند و دریچه ورودی هر یک را که بگشاییم، متقابلاً هزاران دنیای دیگر به روی ما گشاده می‌گردد؛ و با همه گذشت ایامی از زاد و سال انقلاب اسلامی، هنوز هم نمی‌توان ادعا کرد که در همه جوانب این مسائل به پاسخ‌های روشنی دست یافته‌ایم و از این رو همچنان میدان تحقیق و پژوهش‌های بهتر در بسیاری از این بسترها به روی متفکران

دلسوخته گشوده است. اما به هر حال این امر، به عنوان یک نیاز کاملاً ضروری برای حرکت انقلابی-اسلامی به شمار می‌رود. چرا که بدون تصور روشنی از جامعه آرمانی^(۲۶) و در دست داشتن مقصدشناسی تبیینی، نمی‌توان به سوی آینده‌ای مبهم و پوشیده حرکت کرد.

مسئله‌ای که انجام این امر را با مشکلاتی فزونی‌تر همراه می‌سازد این است که ارثه یک سری مطلوبیت‌های بسیار کلی^(۲۷) آن هم در فضای ذهنی یک جامعه فرضی و پیشینی و نیز دور از دنیای امروزی، نمی‌تواند پاسخگوی چنین نیازی روز آمد باشد چرا که فهم و کشف آن آرمانها باید با توجه به شاکله‌های کنونی ساختارهای سه گانه جامعه موجود صورت پذیرد. یعنی انقلاب در صدد تغییر و تحول "جامعه امروز" آن هم با روابط انسانی و خصوصیات امروزی‌اش است و در هر حال نباید صورت مسئله را از یاد بُرد.

در این فرض، هدف سازی و تنظیم "مهندسی مطلوبیت‌های دینی انقلاب" را باید یک ضرورت جدید با ساز و کارهای نوینی قلمداد کرد که قبلاً هم بدان پرداخته نشده است و چون اصولاً موضوع آن، مطمئن نظر عموم اندیشمندان دینی قرار نگرفته منابع چندانی هم در این باره در دسترس نیست.

قدم دوم آن است که نگاه خود را از مقصد به سوی "مبدأ" باز گردانیم یعنی "مهندسی وضعیت موجود". چرا که تا ندانیم به چه میزان از آرمانها دور یا نزدیک هستیم، نمی‌توان به حرکت درست و یا حرکت سریع به سوی اهداف دست یافت. بنابراین نیاز ضروری دیگر، شناسایی دقیق فرهنگ، سیاست و اقتصاد موجود است که همواره باید با ابزارهای دقیقی صورت گیرد، تا در تشخیص مقدرات حرکت، دچار اشتباه نگردیم.

در اینجا علاوه بر همه پیچیدگی‌ها، مشکلی به چشم می‌آید که آن نیز ضرورت یک حرکت علمی دیگر را می‌طلبد. یعنی چون هدف نهایی، تحقق آرمانهای دینی است پس بایستی به تناسب هر خواسته و هدفی، به تعیین و ارائه شاخص‌های کمی و کیفی معینی دست یافت تا براساس آنها بتوان مشخص نمود که مثلاً در شرایط کنونی، جامعه امروزی به

چه اندازه از اهداف مورد نظر فاصله گرفته و یا بدانها نزدیک شده است. بی‌گمان تعیین چنین ملاک‌ها و معیارهای سنجش و اندازه‌گیری، آن‌هم در میدان‌های گسترده ساختارهای سه گانه اجتماعی پیش، یکی از آرزوهای همه اندیشمندان و متفکران دینی پس از انقلاب اسلامی بوده و البته یکی از ضرورت‌های حتمی تحقق انقلاب به معنای حقیقی‌اش است که به درستی باید آن را بر شناخت و بر انجام آن تلاش نمود.

بنابراین از آنجا که حرکت‌های اجتماعی، تدریجی بوده و هیچ تضمینی در پیمودن تمام راه و نیز تا کمال آن وجود ندارد و چون حرکت‌های انسانی همواره در معرض رهنی‌هایی است، پس باید علائم و نشانه‌هایی قابل اندازه‌گیری (از میزان حصول نتایج) در دست داشت تا هر آن وضعیت موجود جامعه را سنجیده و پس از "مقصدشناسی" صحیح در "مبدأشناسی" نیز فروزانیم.

و نهایتاً در گام سوم و مهم‌تر از همه، پس از تعیین نظام فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دینی مطلوب و نیز تشخیص شاخصه‌هایی کلی و کیفی برای اندازه‌گیری روابط اجتماعی جامعه امروز در سه عرصه فوق (میزان قرب و بُعد به اهداف)؛ بایستی به "طرح مهندسی حرکت" پرداخت. یعنی ارائه ابزارهای عملی و روشهای اجرایی برای تحرک ساختارهای جامعه کنونی به سوی آرمانهای مطلوب.

در این مرحله، سخن از بکار بستن الگوهایی می‌باشد که "چگونگی حرکت" را براساس "چرایی‌ها" و "چیستی‌ها" تنظیم می‌کنند. یعنی راهکارهای کاربردی‌ای که بایستی فرهنگ، سیاست و اقتصاد امروز جامعه را به سوی فرهنگ دینی، سیاست دینی و اقتصاد دینی سوق دهد.

بی‌شک این مرحله راه که به معنای ارائه برنامه‌های کوتاه مدت و دراز مدت فرهنگی و سیاسی و اقتصادی است از پیچیده‌ترین مراحل و دشوارترین آنهاست چرا که وابسته به طرح و ابداع فرضیه‌ها و تئوری‌های جدید و نوعی مدل‌سازی است.

این مسأله یکی از نیازهای ضروری انقلاب اسلامی به شمار می‌آید که بیش از دو شق پیش، بر دوش فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی سنگینی می‌کند و هر آینده موفقیت و پیروزی در آن به معنای تحقق مفهوم حقیقی "انقلاب فرهنگی دینی" قلمداد می‌گردد.

به راستی که انقلاب اسلامی با همه دستاوردهای اعجاز گونه‌اش در انجام هر سه این مقاطع و مراحل راه هنوز در آغاز حرکت است و به نظر نگارنده راه بسیاری را پیش روی دارد؛ بسته به آنکه نظام فرهنگی جامعه (اعم از حوزویان، دانشگاهیان و متولیان امور فرهنگی)^(۲۸) بیش از پیش به دعوت عمومی، بسیار جدی و پراهمیت انقلاب اسلامی بهای لازم را داده و رسالتی تاریخی و انسانی را که اینک در این برهه حساس بر دوش آنان گذارده شده، در یابند و آنکه خرده خرده و اندک اندک شاهد ظهور نوای نوزایی علمی و باروری فرهنگی در جامعه اسلامی باشیم و به فضل الهی در آینده‌ای روشن، امید به درخشش دامن گستر تمدن دینی از افق ایران عزیز (الْجَنَّةُ بِالْمَشْرِقِ)^(۲۹) بندیم که: "... فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ" (آل عمران / ۱۶۰ و ۱۵۹).

... و همه گفته "انقلاب دینی و ساختارهای اجتماعی" نیز نظر به این ضرورت‌ها و نگرستن در فروگشایی آنها دارد چرا که خاستگاه اصلی مقالاتی که در اینجا برگزیده شده‌اند، همانا توجه به ضرورت چنین حرکت‌های علمی و فکری نوینی است که بایستی در حوزه نظام فرهنگی جامعه صورت پذیرفته و به یاری خدا آثار آن نیز در جای و گاه مناسب خود رُخ نماید، آن هم بایسته‌های پژوهشی‌ای در پهنه آرمان‌های بلند "انقلاب اسلامی" که بدون آنها یا باید از "هویت اسلامی انقلاب" صرف نظر کرد و یا از لوازم و "ماهیت یک حرکت عظیم انقلابی"!

در نتیجه با فرض توجه به این بایسته‌های پژوهشی باید به ضرورت ایجاد یک نهضت علمی - فرهنگی برای نوآفرینی در عرصه تئوری پردازی‌های نظری و کاربردی اندیشید و تلاش در مقوله تئوریک و متدیک (در زمینه‌های یاد شده) را به خوبی حس کرده و

متناسب با دستاوردهای دینی و اسلامی پس از انقلاب، به چاره‌جویی پیرامون آنها پرداخت تا بر این بنیان به نیازهای زمان حاضر پاسخی شایسته داده باشیم.

و اگر چه رسیدن به آن هدف عالی و تلاش در جهت ارائه نوعی مدل‌سازی^(۳۰) (هم در مفهوم تجریدی و نیز در معنای کاربردی‌اش) همراه با سختی‌های بسیار و نیز گذشت زمان زیادی است ولی به هر تقدیر بایستی مجاهدانه و آگاهانه در ادامه این مسیر قدم گذارد^(۳۱) و نیک، به پیش رفت چه این که: "فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا" (النساء/۹۵).

و تنها امید حرکت، آن است که روشنی و درخشش این راه بدست خود او و از ناحیه خدا تضمین شده است: "وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ" (العنکبوت/۶۹).

و بدین سان؛ آینده روشن، از آن مجاهدان و مؤمنان فاتح و پیروز است که فرمود: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ... وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ" (المائدة/۵۴ و ۵۶).

و نیک، آن وعده حق الهی که: "فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ..." (الروم/۶۰): یعنی همانا وعده پیروزی حق بر باطل که: "بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ..." (الانبیاء/۱۸)؛ و هر آینه وعده تحقق جامعه آرمانی دینی:

"وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا..." (النور/۵۵).

-گردآوری و یادآوری-

اما درباره نحوه فراهم آوری این مجموعه نیز تذکراتی چند لازم به نظر می‌رسد:

اول: آنچه در اینجا گرد آمده کوشش‌هایی است که عموماً طرح نخستین آنها در بین سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ انجام پذیرفته و سپس در سال ۱۳۷۴ به جمع آوری کل مجموعه اقدام شد ولی فرصت تنظیم نهایی نیافته بود، تا این که در سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ با افزودن مقالاتی دیگر برای چاپ و نشر آماده شد؛ اما این که به فضل الهی و یاری او در چه تاریخی و با کدام ترکیب و چگونه ترتیبی، جشن تولد خود بیند و پای به عرصه بازار وجود نهد، بی تردید، تنها خدا داند و پس که: "وَلِلَّهِ عَقِبَةُ الْأُمُورِ" (الحج/۴۱).

دوم: تمامی نوشته‌های موجود مجموعه حاضر در مجله‌های تخصصی، سمینارهای علمی و أحياناً در جراید رسمی به چاپ رسیده‌اند مگر سه نمونه آنها که یا در پاسخ به درخواست و نامه‌ای، نگاشته شده و یا پس از پذیرش و قبول، همان در نوبت چاپ به انتظار مانده‌اند. و در هر حال، شناسنامه و سرنوشت هر یک، در صفحه سر آغاز مقالات آمده است.

سوم: مقالاتی که در این مجموعه جای داده شده، بخش منتخب و برگزیده‌ای از نوشته‌های نگارنده در سال‌های گذشته است که بر اساس ملاک‌ها و معیارهای پیش یاد و با توجه به محور "تحلیل ضرورت‌های اجتماعی انقلاب اسلامی"، به عنوان نمونه گلچین شده‌اند و لذا نوشته‌های دیگری که از جهت موضوعی با مسائل و محورهای مطرح در این مجموعه، هماهنگی و سنخیت نداشتند در اینجا نیامده و به امید خدا، در جای دیگر و زمانی دیگر، ارائه خواهد شد.^(۳۲)

چهارم: در ترتیب و چینش مقالات، بر اساس تاریخ تنظیم یا انتشار آنها عمل نکردیم بلکه از نوشته‌های کلی و عمومی‌تر به سمت نوشته‌های تفصیلی و موردی حرکت شده است تا به این وسیله راه برای ارائه یک چارچوب نظری و تصویرسازی منطقی بهتر، فراهم گردد.

اگر چه در این روش به دلیل تفاوت زمان تهیه و الزاماً اختلاف سطح ادبیات و طبیعتاً دوگانگی و چندگانگی تجربه‌های یک نویسنده، به ناچار: قالب هر مقاله، آهنگ و واژگان برگزیده و نیز رویکرد علمی و استدلالی آن، با دیگری نوساناتی خواهد داشت، ولی به هر

حال حُسن نگاه مجموعی و لزوم برقراری پیوند بین هر فصل با فصلی دیگر، بیشتر از آن است که این قوت را به پای آن ضعف بیافشانیم.

پنجم: به جهت حفظ و نگهداری فضای نوشتاری هر نوشته، در ادبیات و نیز عناوین اصلی و تیتراهای زیر بخش آن تغییر چندانی داده نشد تا با همان شکل و صورت نخستین باقی بماند؛ باید به این وسیله بهتر بتوان به روند کشف اختلاف‌ها و فهم میزان تغییر دیدگاهها دست یافت و راه را برای نقد و بررسی منصفانه در استواری و یا سُستی آراء نگارنده فراخ یافت؛ به جای اینکه با یکدست کردن مقالات از حیث مفهوم و محتوا یا روش تحقیق و نوع ادبیات (آن هم نوشته‌هایی که در طول یک دهه و نیم از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۵ تهیه شده‌اند)، در صدد اثبات این امر برآییم که کل مجموعه از هر عیب و نقص عاری و مبری است!

این نوع ترکیب از سویی، خوانندگان گرامی را با همان شیوه و شکل نخستین ضرورت‌هایی که مدّ نظر نویسنده بوده (و هنوز هم به عنوان مهم‌ترین مسائل فکری جامعه انقلابی و دینی به حساب می‌آید) آشنا می‌سازد و به آنها امکان می‌دهد تا در میدان تقابل و تضارب اندیشه‌ها شرکت جویند و از سوی دیگر برای نویسنده نیز فرصت دوباره‌ای است در مسیر بازبازی کاستی‌ها و زمینه‌سازی برای جوانه‌زدن اندیشه‌هایی نو و بنیادی.

ششم: تردیدی نیست که چنانچه هم اکنون در صدد طرح و تحلیل دوباره این موضوعات و مسائل بر می‌آمدم، محصول و نتیجه امر چیزی دیگر و اندیشه‌ای دگرگون بود چرا که اقتضای سیر رشد اندیشه محدود بشری همین است که: "مِنْ اسْتَوَى يَوْمَآهَ فَهَوَ مَعْبُودٌ..." (۳۳).

اما با وجود این که خود نیز گاه به بررسی و واری نویشتارهای موجود پرداخته و بر بنیادها یا رویه‌های آنها خرده‌گیری‌هایی دارم، ولی این مسأله مانع از وجود انگیزه‌هایی قوی‌تر در ارائه مجموعه حاضر به دوستان این نوع مباحث نمی‌گردد:

در صدر همه، امید به همراهی و یاری اندیشمندان این حوزه با انجام نقد، بررسی و تبیین مشکلات و نارسایی‌ها است. هر اندیشه‌ای همواره نیازمند نقدهایی خواهد بود که بر مدار حق،

واقعیت و انصاف شکل یافته باشند و این چنین همیاری‌ای، بهترین ابزار برای تضمین سلامت فکری آنان است چه این که بدین وسیله می‌توان گام‌های بعدی را با استواری بهتر و استحکام بیشتری برداشت که فرمود: "إِضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بَبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ" (۳۴).

البته نیک می‌دانیم که چنین امری فضای فرهنگی خاصی را هم می‌طلبد که در آن، از طرفی صاحبان اندیشه به مطلق‌گرایی نگرویده و راه را بر ورود افکار دیگر نبندند و از سویی، منتقدان نیز به الگوی صحیح نقد سازنده روی آورده و بر اصول آن پای بند باشند.

انگیزه و نیت جدی آن است که پس از مدتها می‌توانم به تقاضاهای پاره‌ای دانشجویان عزیز که پی‌گیر این نوع مباحث به ده‌اند پاسخ مثبت بدهم.

و بالاخره این که چون هر نوشته‌ای پیوسته با زمان و مکان خاصی بوده و متعلق به فضای فکری ویژه‌ای است، طبعاً بردریشه‌ای هم دارد و وقتی از دوره خود فاصله زیادی می‌گیرد به ناچار باید در آن، تغییر و تحولات زیادی را پذیرفت که گاه از شکل تا شاکله آن را به کلی در برمی‌گیرد و آن قدر دستخوش دگرگونی می‌شود که از صورت اولیه خود بیرون آمده و تبدیل به موضوع جدیدی خواهد شد و در این صورت، نوشته‌پیشین را که در جایگاه خود قابلیت طرح و عرضه نیز داشته بایستی به باورگانی تاریخ سپرد!

گرچه نگارنده هم در قفسه کتابخانه خود جزوات دست‌نویس بسیاری دارد که بر همین اساس روی هم انباشته شده و به دلایل مختلفی در زمان خود مجال ظهور و بروز پیدا نکرده و اکنون هم آماده‌سازی آنها (به دلیل فوق و دلایل دیگر) ممکن نیست، ولی به هر حال اعتقاد به وجود پاره‌ای نواقص را نباید مانع گزارش و نمایش اندیشه‌های ضروری دانست چرا که در این صورت از نعمت تقابل و رویارویی اندیشه‌ها بازمانده‌ایم و همانا هیچگاه هم نمی‌توان به انتظار دستیابی به نهایی‌ترین قلّه‌ها و عالی‌ترین افق استواری در فکر و تفکر نشست چه این که: "...إِذَا هَمَمْتَ بِخَيْرٍ فَبَادِرْ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَحْدُثُ" (۳۵).

هفتم: نیک، در این اندیشه بودم که در مقدمه مجموعه، کاری که امروزه کمتر در این دست کتابها مرسوم است به انجام برسانم و آن؛ نقد و بررسی امروزی نگارنده از نوشته‌های دیروزی خود است.

به نظر می آید اولین منتقدان هر اثری باید پدید آورندگان همان آثار باشند تا پیاپی راه برای دیگران نیز فراهم گردد، ولی متأسفانه این آیین نیک هنوز در فضای فکری و فرهنگی جامعه ما پای نگرفته است. شاید به این تصور سست و پوسیده که اگر صاحب فکری از تفکر پیشین خود نقدی کرد و به جای آن، اندیشه دیگری نشاند، پس دیگر آن تفکر و این تفکر دارای اعتبار و ارزش علمی نبوده و نیست! و شاید به این توهم بی پایه که هر اندیشه ای کمتر دستخوش دگرگونی شود پس ضرورتاً استوارتر نیز هست!؛ حال آن که هیچ یک از امور یادشده به تنهایی، ملاک راستی و استواری و ارزش و اعتباردانش و دانشمند شمرده نمی شوند. اگر چه، نقد و بررسی نیز همواره به معنای انتقاد در اصطلاح متداول آن هم نیست بلکه برابر با مقایسه، سنجش آراء، تبیین نقاط اشتراک و اختلاف، داوری و قضاوت بوده؛ و البته بیان رسانی ها و نارسایی های آن اندیشه را شامل می شود.

و به هر حال با همه اهمیت این موضوع و وجود انگیزه های فراوان، ولی به دلیل حجم زیاد این کار و کمبود زمان و نیز الویت های کاری دیگری که چاره ای از پرداختن به آنها نبود و البته جلوگیری از افزایش بیش از حد صفحات کتاب، آن را به وقت دیگری سپردم تا انشاء الله با دریافت نظرات بیشتری از دوستان این مباحث، با کیفیت بهتری در انجام آن پیش قدم شوم؛ پس: این زمان بگذار تا وقت دگر!

هشتم: برای آسودگی مراجعه خوانندگان عزیز و آسان یابی مواد و موضوعات مورد نظر، فهرست های کوتاه و بلند مقالات به همراه فهرست پایه ها و منابع مورد مراجعه و نیز فهرست آیات، روایات، نام ها و نمایه موضوعی، تهیه و افزوده شده است.

همچنین در سر آغاز هر نوشتار، چکیده مقاله آمده تا اگر مخاطبین گرامی محتوای نوشته را مناسب گزینش خود دیدند، آنگاه به مطالعه اصل آن اقدام کنند. در دوره ای که فرصت ها بسیار تنگ و اندک و موضوعات فکری، بسیار افزون و فراوانند، این نوع چکیده سازی ها کمک شایانی در بدست گرفتن فرصت ها و از دست ندادن آنهاست و البته در شفاف سازی مفاهیم و مطالب نیز می تواند مؤثر افتد.

به نظر نگارنده در دنیای امروز فرهنگ مکتوب، انجام این امور جزء حقوقی است که از ناحیه خوانندگان بر گردن نویسندگان بار می‌شود و به ویژه، در این دست مجموعه‌ها بایستی در انجام آنها سستی نورزید. به همین دلیل همه چکیده‌ها در یک اندازه واحد در نیامده‌اند و علت کوتاه و بلند بودن پاره‌ای چکیده‌ها این است که در مواردی، مقاله، از اصل دارای خلاصه نبود و اینک به تناسب مجموعه حاضر، اقدام به تهیه آن شد. اما در عین حال سعی بر این بود که هر چکیده‌ای، افزون بر یک صفحه نگردد.

نهم: به این مسأله نیز باید اعتراف کنم و آن را به زبان آورم که مهم‌ترین انگیزه و علت گردآوری این مجموعه با پذیرش همه کاستی‌هایش، تنها شوق پیشکشی آن به پدر و مادرم بوده است؛ نیتی که در طول حدود یک دهه همیشه با من همراه بود و اکنون، صورت عمل پوشیده و جامه تحقق به خود می‌گیرد: "فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ الْأَرْضِ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْكِبَرَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ" (الحجراته ۳۷/۳۶).

و امید بسته‌ام که شاید این نیت، گواه آن آرزوی زیبای پیامبری (ص) باشد که: "مَنْ بَرَّ وَالِدَيْهِ طُوبَى لَهُ..." (۳۶).

دهم: در پایان، صمیمانه و خاضعانه، سپاسگزار همه عزیزان و سروران گرامی در انتشارات..... هستم که با تلاش و کوشش بسیار زمینه چاپ و نشر این اثر را فراهم کردند.

بی شک نیت صادق و همت صائب آنان در زایش و آرایش نیکری این کتاب، بهانه‌ای است برای نگارنده تا در پناه پاکی و صفای این نیت، و راستی و صدق آن همه همت، به حلقه پاکان راستین در آویزد و آنگاه به شادمانی شکر گزار این همه همت باشد که: "وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ..." (النحل ۵۳) "وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ" (الفاتحه ۲).

و با امید به آینده‌ای درخشان و چشم به تابش فروزش روزافزون کعبه اقبال که: "اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهِ فِيهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ فِي رُجَاةِ الزُّجَاجَةِ كَأَنَّهُمَا كَوْكَبٌ دُرِّيُّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ" (النور ۳۵).

همان کعبه اقبال و رحمتی که گشایش دروازه های همیشگی آن، آرزوی همه مردمان است چه این که:

" مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ " (فاطر ۲/۲۷)؛

و ر مز گشودن آن، اعتصام به ابواب نصر و نصرت که :
 .. وَأَعِصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ " (الحج ۷۸/۷۸).

و اینک؛ بر دروازه این شهر ایستاده، و دست به دعای :

ای خدا این وصل را هجران مکن	سر خوشان عشق را نالان مکن
باغ جان را تازه و سرسبز دار	قصد این مستان و این بستان مکن
چون خزان بر شاخ و برگ دل مزن	خلق را مسکین و سرگردان مکن
بر درختی کاشیان مرغ تو مست	شاخ مَشکن، مرغ را پرآن مکن
جمع و شمع خویشت را بر هم مزن	دشمنان را کور کن، شادان مکن
گرچه دزدان، خصم روز روشنند	آنج می خواهد دل ایشان، مکن
کعبه اقبال این حلقه ست و بس	کعبه اومید را ویران مکن
این طناب خیمه را بر هم مزن	خیمه توست، آخر ای سلطان مکن
نیست در عالم ز هجران تلخ تر	هر چه خواهی کن ولیکن آن مکن" (۳۷)

یادداشت‌ها

- ۱- در این باره ر.ک: حسینی، سید حسین. مقاله "جانشین خدایی". مجله معرفت. شماره ۳۲، سال هشتم، شماره چهارم، بهمن و اسفند ۱۳۷۸ و نیز: حسینی، سید حسین. مقاله "نگار انسانی" مروری بر مبانی انسان‌شناسی دینی با نظری به تفسیر المیزان". مجموعه مقالات همایش ملی میزان حکمت. تهران، انتشارات سروش ۱۳۸۲.
- ۲- نیز ببینید. دکتر آزاد آرامکی، تقی. "اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن‌خلدون". تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴، صفحه ۱۱۹ که از محور بودن انسان در جامعه متفکرین اسلامی سخن رانده است و نیز: مطهری، مرتضی. "جامعه و تاریخ". تهران، انتشارات صدرا، بدون تاریخ، فصل جامعه.
- ۳- پیرامون مفهوم ساختار اجتماعی (Social Structure) ببینید: آبر کرامبی، نیکلاس و دیگران. "فرهنگ جامعه‌شناسی". ترجمه حسن بویان. تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۷۰، صفحه ۳۵۶.
- ۴- ر.ک: حسینی، سید حسین. مقاله "علوم انسانی اسلامی؛ مبنای تحقق وحدت فرهنگی". مجله نامه فرهنگ. فصلنامه تحقیقاتی در مسائل فرهنگی و اجتماعی. سال هشتم، شماره اول، شماره مسلسل ۲۹، بهار ۱۳۷۷ و نیز درباره مفهوم جامعه ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. "درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی". قم، چاپ سلمان فارسی، ۱۳۶۳ د ف صفحه ۲۵۵.
- ۵- درباره مفهوم نظام اجتماعی یا دستگاه اجتماعی (Social system) ر.ک: "فرهنگ جامعه‌شناسی". صفحه ۳۵۷.
- ۶- در این باره ر.ک: حسینی، سید حسین. مقاله "هجوم و دفاع فرهنگی". روزنامه رسالت. شماره ۵۲، سه شنبه ۲۰ اسفند ۱۳۶۴ و نیز مقاله "علوم انسانی اسلامی؛ مبنای تحقق وحدت فرهنگی".

۲- در این باره ر. ک حسینی، سید حسین. مقاله "چارچوب‌های تحلیل تفاوت بنیادین دو واژه سیاسی" فصلنامه فرهنگ و ادب. شماره صفحه ۱۷ و ۱۸ سال هفتم، زمستان ۱۳۷۸ و بهار ۱۳۷۹.

در کتاب "فرهنگ جامعه‌شناسی"، صفحه ۳۲۱ نیز تحت عنوان واژه انقلاب (Revolution) می‌خوانیم: "انقلاب در کاربرد روزمره این کلمه به هر تغییر ناگهانی و معمولاً آمیخته با خشونت اطلاق می‌شود که در حکومت یک جامعه روی می‌دهد. اما کسانی که با علوم اجتماعی سروکار دارند وقایعی از این قبیل را "انقلاب‌های کاخی" یا کودتا تلقی می‌کنند و اصطلاح انقلاب را برای توصیف دگرگونی تام در ساختارهای اجتماعی - که تغییرات سیاسی حکومت فقط یکی از تجلیات آن است - محفوظ نگه می‌دارند..." و نیز ببینید: دکتر علیا، جیل. "واژه نامه فلسفه و علوم اجتماعی". ترجمه کاظم برگ نسی و صادق سبحان. تهران، شرکت سهامی انتشارت خوارزمی، ۱۳۷۰، صفحه ۶۳ و نیز: آشوری، داریوش، "دانشنامه سیاسی". تهران، انتشارت مروارید، ۱۳۷۰، صفحه ۴۷ و نیز: آرنست، هانا. "انقلاب". ترجمه عزت الله فولادوند. تهران، شرکت سهامی انتشارت خوارزمی، ۱۳۶۱، صفحه ۳۶ و نیز محمدی، م. "انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب فرانسه و روسیه". تهران، انتشارات آزاده، ۱۳۷۴، صفحه ۱۹ و نیز: کومن، آلوین استانفورد. "تئوری‌های انقلاب". ترجمه علیرضا طیب. تهران، شرکت نشر قومس، ۱۳۶۹، صفحه ۲۴، و نیز: حاتمی، محمد رضا. "نظریه انقلاب در اسلام". تهران، شرکت چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، صفحه ۳۷، و نیز زکریایی، محمد علی. "فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی". (قسمت دوم). تهران، انتشارات الهام، ۱۳۷۳، صفحه ۴۷۶ و نیز: شریعتی، علی. "اسلام شناسی" (درسهای دانشگاه مشهد). مجموعه آثار ۳۰ جلدی. تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۶۱، صفحه ۱۵۸ و نیز: محمدی، م. "تحلیلی بر انقلاب اسلامی". تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر. ۱۳۶۶، صفحه ۲۵ و نیز: مطهری، مرتضی. "پیرامون جمهوری اسلامی". تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷، صفحه ۱۳۹ و نیز

: مصباح یزدی، محمد تقی. "جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن". تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸، صفحه ۳۶۹.

۸- "تغییر ساختار اجتماعی موجود، به عنوان نشانه تحول انقلابی دوّمین بعدی است که در امر تعریف انقلاب می توان به کار گرفت، چرا که بسیاری از نظریه پردازان دگرگونی ساختاری را مؤلفه عمده انقلاب می شناسند...". ("تئوری های انقلاب" صفحه ۲۸).

۹- بینید: "فرهنگ جامعه شناسی"، صفحه ۳۲۱

۱۰- در رابطه با مشکلات تحول انقلاب اسلامی نیز نگاه کنید: حسینی، سید حسین. مقاله "تئوری تحلیل انقلاب اسلامی؛ ضرورت ها و بایدها". روزنامه کیهان. نهم بهمن ۱۳۷۳.

۱۱- پیرامون نقش دین و مذهب در انقلاب اسلامی و ویژگی های آن بینید: "انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب های فرانسه و روسیه"، صفحه ۳۱۹ و نیز: "جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن"، صفحه ۳۷۰ و نیز: فرات، عبد الوهاب. "اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)". قم، مؤسسه انتشاراتی احیایگران، ۱۳۸۰، صفحه ۸۷.

۱۲- برگرفته از مقدمه کتاب "دفتر تربیت" به قلم نگارنده. ر.ک: دکتر حسینی، سید علی اکبر. "دفتر تربیت". دوره پنج جلدی. مقدمه و تهیه و تنظیم از سید حسین حسینی. (زیر چاپ).

۱۳- درباره تأثیر انقلاب های بزرگ کلاسیک در توازن قدرت سیاسی در سطح بین المللی ر.ک: دکتر بشیریه، حسین. "انقلاب و بسیج سیاسی". تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، صفحه ۱۷۶.

۱۴- ر.ک: معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). "صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی (ره)". (تبیان، دفتر ششم). تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴، صفحه ۳۲ و ۳۴ و ۸۰. این کتاب درباره مسأله صدور انقلاب اسلامی از دیدگاه حضرت امام، به عناوین بسیار دیگری نیز استناد کرده که قابل توجه

است و نیز ببینید: "آوای توحید". (پیام امام خمینی (ره) به گورباچف با شرح آیت الله جوادی آملی). تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹.

۱۵- در این باره ر.ک: حسینی، سید حسین. "پیامبر وحدت". تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۹، صفحه ۱۵۱ و ۱۵۲ و نیز: مقاله "علوم انسانی اسلامی؛ مبنای تحقق وحدت فرهنگی" و نیز: مقاله "تنویری تحلیل انقلاب اسلامی؛ ضرورت‌ها و بایدها" و نیز: حسینی، سید حسین، مقاله "بحثی اجمالی پیرامون تحلیل نظام‌های اقتصادی". مجله علمی پژوهشی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره سوم، شماره اول و دوم، پاییز و بهار ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷؛ که در این نوشته‌ها و پاره‌ای مقالات دیگر به ابعاد آن ضرورت‌ها پرداخته شده است.

۱۶- ر.ک: مقدمه کتاب "دفتر توبیت" به قلم نگارنده.

۱۷- نویسنده کتاب "حکومت: مباحثی در مشروعیت و کارآمدی"، در مقدمه خود به جوانبی از این ضرورت‌های فکری از زاویه مسائل سیاسی نگریسته می‌گوید: "یکی از ثمرات انقلاب پربرکت اسلامی در ایران، مطرح شدن مسأله مملکت داری به نحو جدی برای نسل معاصر می‌باشد. در دوران پیش از انقلاب، طبیعتاً فعالیت سیاسی در مبارزه با رژیم روز و طاغوت متمرکز بود، لذا نسل جوان و با استعداد در دانشگاه‌ها به رشته‌های علوم سیاسی و معارف مربوط به مملکت داری رغبتی نشان نمی‌دادند... در حوزه‌های علمی هم تمرکز توجهات به مسائل مملکت داری نبود. اما انقلاب اسلامی جهشی در دوران سیاسی به وجود آورد و نسل حاضر به دوره‌ای جدید وارد شده است که در آن حکومت و مبانی آن و نحوه عمل آن در درجه اول اهمیت قرار گرفته است. امروز بیش از پانزده سال از تأسیس حکومت اسلامی در میهن عزیز گذشته است؛ سیاسیون ما درسی مهمی آموخته‌اند: مملکت داری نیاز به تفکرات سازمان یافته دارد و صرفاً با هنرمندیهای فردی و مقطعی کا تمام نمی‌شود این تفکرات سازمان یافته در قالب معارف و علوم و فن مختلف - که همه آنها را تحت عنوان معارف حکومتی می‌نامیم - سابقه طولانی در جهان دارد و فرزندان بسیار در طول قرون و اعصار عمر خود را صرف کشف رموز آن کرده‌اند..". ر.ک:

لاریجانی، محمد جواد. "حکومت: مباحثی در مشروعیت و کار آمدی". تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۳، صفحه ب و نیز ر.ک: هم او. "نقد دینداری و مدرنیسم". تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲.

۱۸- ر.ک: پارورقی شماره ۷.

۱۹- پیامبر اکرم (ص) فرمود: "مردمی از مشرق قیام می کنند و زمینه حاکمیت مهدی فراهم می آورند". ر.ک: محمدی ری شهری، محمد. "میزان الحکمه". دوره ده جلدی. تهران، مکتب الاعلام اسلامی، ۱۳۶۱، جلد ۲، صفحه ۶۶۶ و نیز ببینید: "صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی (ره)". صفحه ۴۲.

۲۰- نویسنده کتاب "فرهنگ آفتاب" ذیل عنوان "آرمانهای نهضت های الهی" به پاره ای از فرازهای نهج البلاغه در این باره اشاره دارد که خواندی است؛ ر.ک: معادیخواه، عبدالحمید. "فرهنگ آفتاب" (فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه). دوره ده جلدی. تهران، نشر ذره، ۱۳۷۲، جلد ۱، صفحه ۵۴۱.

۲۱- یعنی "بینش من همواره با من است"؛ بخشی از فرازهای نهج البلاغه مولا امیرالمؤمنین (ع) که در آن از هوشیاری انقلابی خود پرده برمی دارد. ر.ک: همان، جلد ۱، صفحه ۵۸۸.

۲۲- در پاره ی نخست و در سالیان پیش (۱۳۷۴) نام این مجموعه را "گامی به سوی هدف" برگزیده بودم و اگر در صفحه اهدا هم این عنوان آمده به همین دلیل است ولی پس از این که این نام را با تعجب و شگفتی بسیار بر تارک کتابی از دوستی آشنا (۱) دیدم، از آن صرف نظر کرده و عنوان کنونی را که تناسب مفهومی بهتری هم با محتوای کتاب داشت برگزیدم؛ یعنی: "انقلاب دینی و ساختارهای اجتماعی". (امیدورم خداوند توفیق هدایت دوباره ای به همه ما عنایت کند!).

۲۳- ر.ک: حسینی، سید حسین: مقاله "بحران مدیریت" روزنامه کیهان: ۱۵ فرورین ۱۳۷۴.

۲۴- در این باره ببینید: مقاله "تئوری تحلیل انقلاب اسلامی؛ ضرورت‌ها و بایدها" و نیز ر.ک: "فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی"، صفحه ۴۷۹ که نویسنده بر مبنای سه اصل اجتهاد، امر به معروف و نهی از منکر و مهاجرت در اعتقادات اسلامی، سخن از "انقلاب دائمی" رانده است.

۲۵- دیدگاه‌های دیگری هم در این باره وجود دارد؛ ر.ک: "انقلاب و بسیج سیاسی"، صفحه ۱۴۳.

۲۶- ببینید: "جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن"، صفحه ۴۱۲ و ۴۱۳ که در بحث از "جامعه آرمانی" پیرامون ضرورت و شرایط طرح نقشه جامعه آرمانی سخن گفته است و نیز ر.ک: نبوی، محمد حسن. "مذہبیت اسلامی". قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱، صفحه ۵۲ و نیز ببینید: جمعی از نویسندگان. "انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن". قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۸.

۲۷- نیز ببینید: همان صفحه ۶۷.

۲۸- درباره رسالت حوزه و دانشگاه به این مقالات ر.ک:
- حسینی، سید حسین. مقاله "تهاجم جمعی و رسالت اجتماعی". روزنامه کیهان. ۲۷ آذر ۱۳۷۳.

- حسینی، سید حسین. مقاله "بررسی مبادی الگوی وحدت". مجله علمی پژوهشی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۹، دوره پنجم، شماره اول، پاییز ۱۳۶۸.
- حسینی، سید حسین. مقاله "درآمدی بر نظام آموزشی حوزه". مجموعه مقالات اجلاس بررسی نظام آموزشی حوزه علمیه قم، ستاد اجلاس، آبان ۱۳۷۵.
- حسینی، سید حسین. مقاله "دانشگاه و معارف اسلامی". هفته نامه پیام. ۱۱ بهمن ۱۳۷۳.

- حسینی، سید حسین. مقاله "شاخصه‌های انقلاب فرهنگی". فرهنگ آفرینش. ۶ شهریور ۱۳۷۵.

- حسینی، سید حسین. مقاله "علوم انسانی اسلامی؛ مبنای تحقق وحدت فرهنگی".
- ۲۹- پیامبر اکرم (ص) فرمود: "بهشت در مشرق زمین است". ر.ک: "میزان الحکمه"، جلد ۲، صفحه ۶۶۶. هم او به روایات بسیار دیگری پیرامون انقلاب اسلامی پیش از ظهور قائم آل محمد (عج)، اشاره کرده است.
- ۳۰- پیرامون مفهوم مدل الگو (Model) ر.ک: "فرهنگ جامعه‌شناسی" صفحه ۲۴۶.
- ۳۱- در روایتی از پیامبر (ص) می‌خوانیم: "...إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيَتَّقِنَ". (روایت شده که پیامبر (ص) در قبر فرزند خورشید ابراهیم (ع) رخنه‌ای را مشاهده فرمود و آن را با دست مبارک هموار کرد و سپس فرمود: هر گاه یکی از شما عملی انجام دهد باید آن را متقن و محکم بسازد). ر.ک: القمی، الشیخ عباس. "سفینه البحار". دوره هشت جلدی. تهران، دارالاسوه للطباعة والنشر، ۱۴۱۴ قمری، جلد ۲، صفحه ۲۷۸.
- ۳۲- فهرست کلی پاره‌ای مقالات چاپ شده تا سال ۱۳۸۳ بدین قرار است:
- حسینی، سید حسین. "بشارت به اهل زمین". روزنامه رسالت. اسفند ۱۳۶۹.
- حسینی، سید حسین. "بررسی مبانی توسعه تقرب اجتماعی". مجموعه مقالات دفتر فرهنگ علوم اسلامی حوزه علمیّه قم. ۱۳۶۹.
- حسینی، سید حسین. مجموعه "بررسی مبانی جامعه‌شناسی اسلامی". مجموعه مقالات دفتر فرهنگ علوم اسلامی حوزه علمیّه قم. ۱۳۷۳.
- حسینی، سید حسین. "دین در بستر دیدگاهها". مجله معرفت. شماره ۱۰، سال پنجم، شماره چهارم، بهار ۱۳۷۶.
- حسینی، سید حسین. "نظری بر پیشینه موضوعات دینی و اعتقادی". نشریه عملی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر. دوره جدید، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۶.
- حسینی، سید حسین. "نگاهی به راهبردهای ارزشی پیامبر اکرم (ص) در وحدت اسلامی". مجله مشکوه. شماره ۶۰ و ۶۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۷.

- حسینی، سید حسین. "مروری بر مقیاس‌های ارزشی ساختار وجودی انسان در قرآن". ارائه و چاپ در خلاصه مجموعه مقالات همایش تبیین مبانی ارزشی و راهبردی ترویج آن در فرهنگ عمومی. دبیر خانه شورای فرهنگ عمومی، ۱۳۷۷.
- حسینی، سید حسین. "جلوه‌های عرفانی صدرالاولین و الاخرین با نگاهی به اندیشه‌های صدر المتألهین". مجموعه مقالات همایش جهانی حکیم ملاصدرا. بنیاد حکمت صدرا، خرداد ۱۳۷۸.
- حسینی، سید حسین. "وحدت اسلامی و راهکارهای سیاسی و فرهنگی پیامبر (ص)". مجله معرفت، شماره ۳۳، سال نهم، شماره اول، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹.
- حسینی، سید حسین. "سیره نبوی؛ نقد مبانی و راهکارهای تحلیلی". مجله نامه علوم انسانی. فصلنامه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹.
- حسینی، سید حسین. "نور الهی محمدی". مجله معرفت. شماره ۲۹، سال هشتم، شماره اول، تابستان ۱۳۷۸.
- حسینی، سید حسین. "جانشین خدایی". مجله معرفت. شماره ۳۲. سال هشتم، شماره چهارم، بهمن و اسفند ۱۳۷۸.
- حسینی، سید حسین. "عرفان عارف اول در عرف عرفا". ارائه و چاپ در خلاصه مقالات همایش فرهنگ عمومی و ادبیات فارسی. با همکاری دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۷۸.
- حسینی، سید حسین. "شهد شیرین شهادت در سیمای شهید شامد". ارائه و چاپ در مجموعه مقالات همایش سیمای شاهد در آینه نهج البلاغه. شورای پژوهشی ادراه کل بنیاد استان کرمان و نشر شاهد تهران. مهر ۱۳۷۹.
- حسینی، سید حسین. "سیمای انسان در نهج البلاغه". خلاصه مقالات همایش بزرگ امام علی (ع) و نهج البلاغه. با مشارکت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، آبان ۱۳۸۱.

- حسینی، سید حسین. "نگار انسانی" (مروری بر مبانی انسان‌شناسی دینی با نظری به تفسیرالمیزان). مجموعه مقالات همایش ملی میزان حکمت، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۲.

- حسینی، سید حسین. "الله عشق". مجموعه مقالات همایش آموزه‌های مولانا برای انسان معاصر. باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

- حسینی، سید حسین. "انسان‌شناسی دینی - تربیتی؛ مقایسه‌ای تطبیقی در منظر شهید مطهری". مجموعه مقالات همایش جهانی حکمت مطهر. تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۳.

۳۳- ر.ک: شیخ صدوق، ابوجعفر "معانی الاخبار". تصحیح علی اکبر غفاری. بیروت، دارالتعارف المطبوعات، ۱۳۹۹ قمری، صفحه ۳۴۲ (روایت امام صادق (ع)).

۳۴- یعنی "افکار مختلف را با یکدیگر مقایسه کنید، راه صحیح از آن بدست خواهد آمد". ر.ک: "میزان الحکمه" جلد ۴، صفحه ۱۶.

۳۵- "امام صادق (ع) می‌فرمایند: پدرم بسیار این کلام را فرمودند؛ هنگامی که بر کار خیری همت گماردی، اقدام کن؛ زیرا نمی‌دانی در آینده چه پیش خواهد آمد". ر.ک: همان، جلد ۶، صفحه ۷۴.

۳۶- ر.ک: خرمشاهی، بهاء الدین و انصاری، مسعود. "پیام پیامبر" (مجموعه ای از نامه‌ها، خطبه‌ها، وصایا، دعاها، تمثیلهای و سخنان جامع حضرت محمد «ص»). تهران، انتشارات جامی، ۱۳۷۶، صفحه ۳۹۰، حدیث ۱۵.

۳۷- ر.ک: دکتر شمس‌یا. سیروس. "گزیده غزلیات مولوی". تهران، چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۲، صفحه ۲۱۹.